

مصاحبه جنگ صدا با رفیق

منصور امان پیرامون
اعتصاب معلمان

س - اعتصاب معلمان مهمترین مساله ای بود که در هفته گذشته اتفاق افتاد. ممکنه کمی در باره دلایل این اعتصاب توضیح بدهید و وضعیت فعلی اش را برای ما تشریح کنید؟

ج - با درود به شنندگان "جنگ صدا" و تشکر از شما برای امکانی که فراهم آوردید. همانطور که می دانید، زحمتکشان فرهنگی، از نزدیک به دو سال پیش، به اشکال گوناگون، وضعیت وخیم معیشتی خودشان رو یادآور می شوند و خواهان تغییر آن و تامین حداقل مطالباتشان می شوند. رژیم مالاها هم از طرف دیگر، از همان ابتدای شکل گیری جنبش اعتراضی بین آموزگاران، تلاش کرده که آن را نادیده بگیرد در یک گام فراتر، سرکوبش کند. خواست آموزگاران ابتدا پرداخت مطالبات معوقه شان بود که حکومت به هزار و یک دلیل سعی می کرد از بران شان خالی کند. جالب اینجاست که مطالباتی که داریم درباره شان حرف می زنیم، نه خواسته های جدید، بلکه درخواست برای پرداخت بدهیهای بود که دولت به معلمان داشت و به هیچ عنوان قصد صاف کردن حسابش را نداشت. این در صورتیکه آموزگاران یکی از تهیدست ترین کارورزان فکری در جامعه ما محسوب می شوند و حکومت دریافت منظم همان حداقل حقوق و مزایا را هم از آنها دریغ می داشت. وجود آموزگاران که برای تامین زندگی ناچار شده اند چندین شغل داشته باشند و بیش از ۱۸ ساعت در روز کار کنند، تقریباً یک امر عادی و رایج به شمار می آید. معلمان درحالی با دستمزد کم و فشارهای مضاعف دولت دست و پنجه نرم می کنند که شرایط کاری آنها را هرچیزی می شود اسم گذاشت جز عادی یا قابل تحمل. محیطهای نامناسب آموزشی که اغلب حتی از ابتدای ترین امکانات بی بهره هستند، کلاسهای انباشته شده از دانش آموز و فضای تنگی که ساده ترین وظایف آنها را به یک مشقت فرساینده اعصاب تبدیل می کند و افزوده براینها، تحمیلات دواپر و گماشته های حکومت در مدارس که به ویژه در مورد آموزگاران زن، که

یک کشاکش دایمی را به آنها تحمیل کرده.

به هرحال، همانطوری که با اعتراضات خیابانی آموزگاران در سال گذشته دیدیم، این وضع نمی توانست همیشگی باشد و واکنش اعتراضی و به حق معلمها علیه آن را دربر نداشته باشد. بااینکه حکومت توسط چاقوکشها و چماقدارهای لباس شخصی و اونفورم پوش خودش تلاش کرد، با زبان زور پاسخ مطالبات آموزگاران رو بدهد، اما در نهایت ایستادگی و تداوم اعتراضات باعث شد مسوولین رژیم که تا اون زمان پشت قشون سرکوب خیمه زده بودند، جلو بیایند و با وعده و وعید سعی کنند اعتراضات رو محدود و بعد هم به کلی مهار کنند. داستان کمیته ای که آقای خاتمی برای رسیدگی به مشکلات معلمان ترتیب داد را همه می دانیم. این کمیته اختراع شده برای وقت کشی و دست به سرکردن آموزگاران، هیچ دستاورد مادی و لمس پذیری در جهت تحقق خواست اعتراضیون نداشت و آن هم به یک دلیل فهم پذیر، چون اصلاً تشکیل جلسه نداد! و این می تواند به خوبی میزان جدی بودن حکومت در پیگیری مشکلات و مطالبات افسار معترض اجتماعی را نشان بدهد. اما حتی همین نمایش گستاخانه هم برای آموزگاران یک دستاورد داشت و آن به روی صحنه آوردن مطالباتشان و تحمیل چنین مانورهایی به رژیم بود، همان رژیمی که در مورد وجود چنین صنفی خودش را به جهالت زده بود و اصلاً به یاد نمی آورد که به آنها بدهکار باشد.

معلمها ولی گریبان حکومت را رها نکردند و اجازه ندادند با چند قول خشک و خالی و نسیبه، به خانه ی اولش برگردد و روزگار بگذراند. اعتراضات بعدی آنها برای یادآوری چکهای بی محلی بود که مسوولین دولتی کشیده بودند و باید در باره اش حساب پس می دادند. این باردولتیها نادیده گیری خواسته های معلمان را به ویژه هنگامی که زمان زیادی هم به انتخابات مجلس مالاها باقی مانده بود، به سود تنور مربوطه و فضای تقریباً باثباتی که برای جعل رای احتیاج داشتند، نمی دیدند و به همین دلیل کمی سرکیسه رو شل کردند و حاضر به پرداخت بخشی از مطالبات سالهای گذشته شدند، ضمن اینکه تعهد سپردند که همه بدهیهایشان را تا آخر امسال و به طور دقیق تا دی ماه پرداخت کنند. تعهد

دیگه رژیم که پامالی آن جرقه اعتصابات اخیراً زد، هم سطح کردن حقوق آموزگاران با دستمزد بقیه کارمندان دولت بود. کارگزاران حکومت وعده دادند که در لایحه بودجه سال آینده، حقوق کارمندان دولت را هماهنگ کنند و به بیان روشن تر، دستمزد معلمان را بالا ببرند. معلوم نیست به کدام دلیل فهم پذیر، آموزگاران باید حقوق کمتری دریافت کنند و این تبعیض برپایه چه کاستی شغلی یا کدام امتیاز خارج از روال عادی که به معلمها داده شده، توجیه می شود. تنها توضیحی که در مورد این نابرابری تا به حال داده شده از طرف حجت الاسلام کروبی بوده. رئیس مجلس مالاها استدلال می کند "چون زورمان به شما می رسد بنابراین حقوقتان را هم در کیسه ی دولت پس انداز می کنیم". البته این دلیل خوبی نیست و معلمها با اعتصاباتشان نشان دادند که آقای کروبی دست کم در مورد اشتباه می کند، اول میزان زور خودش و بعد مال معلمها.

به این صورت که وقتی دولت لایحه بودجه اش را به مجلس آورد و روشن شد که در مورد دستمزد زحمتکشان فرهنگی، در روی همان پاشنه قدیمی می چرخد، آموزگاران با اعتصاب سراسری نشان دادند که خیلی بیشتر از آنیکه قدرت تصور آقای کروبی و همربشان ایشان به آنها اجازه می دهد، توانمند هستند و سلاح کارشان را به خوبی می توانند علیه نظم قلدرمنش جمهوری اسلامی به کار بگیرند.

البته به دلیل سانسور شدید و نبود تشکلهای سراسری معلمان، آمار دقیقی در مورد شمار اعتصاب کنندگان در دست نیست، اما تخمین زده می شود که بیش از دویست هزار معلم در این اعتصاب شرکت دارد. در تهران، اردبیل، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، گناوه، همدان، شهرضا و ارومیه، آموزگاران دست به اعتصاب زدند و مدت کمی پس از شروع آن، آموزگاران در شهرهای دیواندره، نجف آباد، اردستان، میاندوآب و مناطق بیشتری در تهران، به این حرکت پیوستند. دانش آموزان و خانواده های آنها از اعتراض به حق معلمان، پشتیبانی می کنند و در بعضی جاها مثل مناطق ۱۱، ۱۲ و ۱۷ تهران و با در همدان، دانش آموزان برای نشان دادن حمایتشان، دست به راهپیمایی یا گردهمایی زدند.

واکنش رژیم این بار هم ترکیبی از چماق و حلواست. با این تفاوت که

برخلاف گذشته شوکه و مات شدنش در برابر این حرکت گسترده ی اعتراضی را به خوبی می شود دید. غیرازاین، ابراز لطف بی معنی و تمسخرآمیزی مثل منظور کردن یک ماه مرخصی برای رفتن به حج یا ابراز نگرانی در مورد برنج مصرفی معلمان را طور دیگه ای نمی شود تفسیر کرد. جدا ازاین، اگر گفته های آقای ستاری فر، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی حکومت را ملاک قرار بدیم، تبعیض فعلی در مورد میزان دستمزد آموزگاران، همچنان به قوت خودش باقی می ماند و سررشته داردولت، غیر از "انشاء الله" و "ماشاءالله"، هیچ حرف مشخص تری برای گفتن در این زمینه ندارد. البته این سناریویی است که مالاها نوشتند و اتفاقاً اعتصاب معلمان می خواهد بگوید که قرار نیست روی صحنه برود. همین آقا، از طرف دولت متعهد می شود که تا آخر امسال حقوق، مزایا، عیدی و قسمت عمده ای از پاداش پایان خدمت معلمها را پرداخت کند. خوب، این حرفها با توجه به شرایط بوجود آمده بعد از مبارزه سراسری معلمان، بدون مالیات و بی پیامد نیست. هرعهد شکنی دولت، این مبارزه را چند قدم جلوتر برده و قاطع تر کرده و این بار با داشتن تجربه یک اعتصاب سراسری در پشت سر، طبعاً رژیم درک روشن تری نسبت به پیامدهای یک خلف وعده اعضای کابینه ش دوبار بیشتر باید در مورد زیرپا گذاشتن قولشان استخاره بکنند. به بیان دیگر، زحمتکشان فرهنگی با اعتصاباتشان تا این نقطه، رژیم را به عقب رانده اند و این ثابت می کند که فشار بیشتر و تداوم مبارزه، دستیابی آنها به خواسته های دیگر شان مثل رفع تبعیض در دستمزدها را را هم ممکن تر و عینی تر از هر زمان دیگر در چشم انداز نزدیک قرار داده. این اعتصاب تاثیر مهمی در شتاب بخشیدن به فرآیند سازمانیابی معلمان دارد و بی هیچ تردیدی آنها را درپس مطالباتشان متشکل تر خواهد کرد. اشکال این سازمانیابی می تواند اتحادیه های صنفی گسترده یا تشکلهای کوچکتر محلی باشد، اما در هر صورت نیاز مبرم و فوری جنبش زحمتکشان فرهنگی به ارتباط پیوسته و تنگاتنگ با همدیگر و انسجام یابی برنامه ای در بقیه در صفحه ۱۳